نفی وجوب نفس الامری روزه ماه رمضان توسط صاحب جواهر و نقد آن

12:38

همانی که مرحوم جواهر در صفحه ۲۱۲ فرمودند. فرمودند دو قول است. اگر به این صورت نیت کند، مجزی هست یا نیست؟ بگوید «ان کان من رمضان فمن رمضان و واجب، ونیت الوجوب. و ان کان من شعبان فنویت الندب»، فرمودند دراینصورت اختلاف است. برخی فرمودهاند مجزی است و برخی فرمودهاند مجزی نیست.

> **أما لو صامه على انه إن كان من شهر رمضان كان واجبا وإلا كان مندوبا ف- قيل والقائل الشيخ في الخلاف والمبسوط والعماني وابن حمزة والفاضل في المختلف والشهيد في جملة من كتبه : يجزي عن رمضان إذا صادفه وقيل والقائل الشيخ في باقي كتبه وابن إدريس والمصنف وأكثر المتأخرين لا يجزي عنه وعليه الإعادة ، وهو الأشبه**
>
> **[1]**

«...لایجزی و هو الاشبه»؛ یعنی معلوم شد که ماه مبارک است، باز هم مجزی نیست. محقق فرمودند «هو الاشبه». در توضیح آن، صاحب جواهر فرمایشاتی دارند که دنبالهٔ آن مطالب خوبی میآید. ولی وقتی توضیح میدهند، میفرمایند:

> **والا ينافيه كون ذلك اليوم من رمضان ، فان الوجوب انما يتحقق إذا ثبت دخوله لا بدونه ، والوجوب في نفس الأمر لا معنى له[2]**

«و لا ینافیه کون ذلک الیوم من رمضان، فان الوجوب»؛ همانی که گفت ان کان من رمضان، **«انما یتحقق إذا ثبت دخوله لا بدونه، والوجوب فی نفس الأمر لا معنی له»؛** بگوییم یک وجوب نفس الامری داریم. کجا داریم؟! چه داریم؟! باید ثابت شود که ماه مبارک آمد.

«والوجوب فی نفس الأمر لا معنی له»؛ ببینید این استدلال جلو میرود. همینجا شما این سؤال را مطرح کنید و بگویید: همین جایی که شما میگویید به این صورت نیت کرده و وجوب نفس الامری معنا ندارد، اگر اتفاق بیافتد که در همین روزی که او مردد روزه گرفته، دیگران روزه

نگرفته‌اند اما شب بیست و نهم ماه دیده شد؛ یعنی معلوم می‌شود که دیگران بیست و هشت روز از ماه مبارک را روزه گرفته‌اند. اگر ما شب بیست و نهم ماه را دیدیم، شما به او می‌گویید که یک روز را قضاء کن یا نه؟! آن‌جا دارید می‌گویید «علیه الاعادة»، آن‌هایی هم که روزه نگرفته‌اند معلوم است که به آن‌ها می‌گویید باید اعاده کنند. خب با این‌که برای وجوب نفس الامری معنایی نیست، به او می‌گویید که قضاء کن؟! یعنی آدم می‌بیند کلمه «و الوجوب فی نفس الامر لا معنی له» با مجموع مرتکزات متشرعه، جور نیست. آن‌جا که در شب بیست و نهم دید، همه شما می‌گویید فایده ندارد، ماه که بیست و نه روزه نمی‌شود. باید قضا کنم. یعنی باید وجوبی که نبود را قضاء کنم؟! «اقض ما فات»؛ وقتی وجوب نفس الامری نیست چه فوتی شده؟! ولی همه می‌گویید «اقض». معلوم می‌شود که این حرف درست نیست. این‌که شما می‌گویید «یتحقق»، تحقق انواعی دارد. یک وجهی از تحقق که انواعی از فعلیت را دارد و به هر کسی هم که می‌گوییم می‌گوید درست است، فان الوجوب انما یتحقق؛ تحقق یعنی فعلیت؛ یعنی «ان الوجوب یصیر فعلیا اذا ثبت دخوله». درست هم هست. اما یعنی هیچ مرتبه‌ای از وجوب نفس الامری نیست؟! انطباق قهری موضوع و تحققش نیست، این دلالت ندارد... . با این می‌خواهند آن را جواب بدهند.

---

[1] جواهر الکلام ج۱۶ ص۲۱۲

[2] همان

بازبینی #1
ایجاد شده 25 مه 2026 12:06:06 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 مه 2026 12:07:45 توسط ... .